

واکاوی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی: یک مطالعه موردی

محمد شرفی^۱

مینا مقدم^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۳

تاریخ وصول: ۹۳/۱۰/۲۹

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی وضعیت شغلی دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی در یک دانشگاه بزرگ دولتی در سه گرایش مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی پرداخته است. هدف از انجام این تحقیق بررسی میزان دست‌یابی به اهداف رشته‌های فوق از طریق بررسی دیدگاه دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد می‌باشد. تعیین اینکه تا چه اندازه دانش‌آموختگان این رشته‌ها جذب بخش‌ها و سازمانهای مرتبط با اهداف رشته‌ای خود بوده است، تعیین اینکه تا چه میزان دانشگاه توانسته است دانش‌آموختگان را برای ورود به بازار کار آماده نماید و میزان رضایت این دانش‌آموختگان از محتوی رشته‌های خود تا چه اندازه است؟ جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموختگان سه گرایش مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی در سال‌های ۸۸-۸۴ می‌شود که تعداد آنها ۲۴۳ نفر بوده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع روش توصیفی و مبتنی بر رویکرد پیمایشی می‌باشد. روش مورد استفاده برای نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری در دسترس بوده است. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد) و تحلیل محتوای پاسخ‌ها استفاده شده است. عمده‌ترین نتایج تحقیق عبارتند از: میزان اشتغال به کار دانش‌آموختگان در حین تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ۲۲٫۵ درصد بوده است که بعد از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد این میزان به ۸۰ درصد افزایش یافته است بیشتر افراد شاغل، در بخش‌های دولتی و در دو بخش آموزش عالی و آموزش و پرورش مشغول به کار بوده‌اند و میزان اشتغال به کار افراد در بخش صنعت در سال‌های اخیر

۱- دکتری مدیریت آموزش عالی- دانشگاه علامه طباطبائی، msharaf93@gmail.com

۲- دانش‌آموخته رشته برنامه ریزی درسی- دانشگاه شاهد، mm5760@gmail.com

افزایش داشته است. فاصله زمانی بین فارغ التحصیلی و شروع به کار شاغلین بیشتر بین ۳ ماه الی ۱ سال بوده است. همچنین میزان رضایت شغلی افراد و ارتباط شغل با رشته تحصیلی افراد مناسب ارزیابی شده است. علاوه بر این دانش آموختگان پیشنهادهایی برای آمادگی بهتری دانشجویان رشته‌های فوق الذکر جهت ورود به بازار کار داشته اند.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اشتغال، دانش آموختگان، علوم تربیتی.

مقدمه

آموزش عالی به عنوان نهادی که محرک توسعه کشورهاست با تأسیس رشته‌های مختلف دانشگاهی همواره تلاش می‌نماید نیروی انسانی مورد نیاز کشور را متناسب با نیازهای بازار کار تامین و تربیت نماید. دانشگاه‌ها اصلی‌ترین تولیدکننده سرمایه انسانی و تنها پشتیبانی‌کننده چارچوبی هستند که می‌تواند نیازهای رشد اقتصادی را در یک جامعه مبتنی بر دانش تضمین نمایند (عمادزاده، ۱۳۸۲). همواره یکی از نیازهای اساسی دولت‌ها به دانشگاه‌ها کاهش تنش‌های اجتماعی و زیان بیکاری از طریق سیال کردن بازار کار است. هدف از تأسیس رشته‌های مختلف آموزشی دانشگاهی تربیت دانش‌آموختگان و نیروی انسانی مختلف بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها همواره با ارتباط بین آموزش عالی و بازار کار مرتبط است. توسعه آموزش عالی منجر به ایجاد اقتصاد مبتنی بر دانش شده است (دراکر، ۱۹۹۳). اقتصاد مبتنی بر دانش نیازمند افرادی است با انواع دانش، مهارت‌ها و قابلیت‌های اخلاقی که توانایی مواجهه با تغییرات سریع را در خود پروارنده باشند (تامپسون، ۲۰۰۷). بنابراین برنامه‌های درسی آموزش عالی بایستی منجر به ایجاد توانمندی‌های لازم در فارغ التحصیلان جهت پاسخ به نیازهای متنوع و در حال

-
1. Drucker
 2. Tomlinson

تغییر بازار کار بشود لذا با توجه به نیازهای روزافزون و متنوع بازار کار، برنامه‌های درسی نیز نیازمند به روز رسانی سریع می‌باشد (جمیری و همکاران، ۱۳۸۹).

صالحی عمران (۱۳۸۵)، مسئله اشتغال دانش آموختگان طی سال‌های اخیر در ایران را به عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در زمره مهمترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح می‌کند. وی یکی از مولفه‌های مهم برای قضاوت درباره کارایی داخلی و خارجی آموزش عالی را کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی با نیازها و تغییرات بازار کار می‌داند مساله بیکاری، با توجه به پیامدهای آن در ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تمامی آحاد جامعه نگران کننده است، با این همه به دلیل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از محل منابع ملی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در کشور و عدم جذب آنها در بخش‌های مختلف اقتصادی، پیامدهای بسیار وسیع تری را به دنبال خواهد داشت. لذا یکی از تغییرات کلیدی که موسسات آموزشی عالی همواره بایستی مورد توجه قرار دهند این است که متناسب با نیازهای کارفرمایان به منظور تناسب بهتر بین دانش آموختگانی که آنها تربیت می‌کنند و الزامات بازار کار، تغییر ایجاد نمایند (پیلای، ۲۰۱۲). متعاقب هر رشته‌ای که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب می‌شود اهداف و زمینه‌هایی مد نظر بوده است. هدف از تأسیس رشته‌های مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و درسی نیز تربیت متخصصان و نیروی آموزش دیده به منظور بهره‌گیری از خدمات آنان در امور آموزشی و پژوهشی بویژه در نظام آموزشی کشور چه در سطوح سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان و چه در سطوح اجرایی و خرد می‌باشد.

بررسی میزان دستیابی به اهداف رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های فوق الذکر از منظر وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان این رشته‌ها به سیاست گذاران کمک می‌نماید تا متناسب با نیازهای بازار کار و کارفرمایان در محتوای برنامه‌های آموزشی و یا زمینه‌های دانشی، مهارتی و نگرشی فارغ التحصیلان تغییر ایجاد نموده و همسویی بیشتری بین این دو برقرار نمایند.

با توجه به اهمیت اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها و به منظور زمینه سازی در جهت تقویت کارایی خارجی نظام آموزشی عالی و به جهت برنامه ریزی و سیاست گذاری لازم در خصوص تدوین اهداف، برنامه درسی و دانش و مهارت‌های مورد نیاز دانش آموختگان، همچنین کمبود تحقیق در جامعه مورد مطالعه، محققین به بررسی وضعیت اشتغال و واکاوی نظرات و پیشنهادات گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی طی سال‌های ۸۸-۸۴ پرداخته اند.

پیشینه تحقیق

زمینه سازی برای اشتغال و ایجاد قابلیت‌های لازم در جهت بکارگیری فارغ التحصیلان دانشگاهی در بازار کار یکی از رسالت‌های اصلی و اساسی نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها است. و این امر از یک سو به ارائه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز بازار کار از طریق برنامه درسی دانشگاهی مربوط می شود و از دیگر سو به تقویت قابلیت‌های خودکارآمدی، اعتماد به نفس و قابلیت خلاقیت نوآوری در دانش آموختگان در جریان تحصیل مرتبط می‌باشد. بنابراین عوامل و ویژگی‌های مختلفی در اشتغال یا عدم اشتغال دانش آموختگان دانشگاه‌ها موثرند. بررسی تحقیقات مرتبط با اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی بیانگر این است که هر دسته از تحقیقات به مجموعه‌ای از عوامل و عناصر اشتغال فارغ التحصیلان اشاره کرده اند.

کتولی و رحمانی (۱۳۸۲)، در تحقیقی با بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی، نتایج زیر را پیشنهاد نموده اند. الف) سرفصل‌های دروس دوره‌های آموزشی ب اساس زمینه‌های شغلی مرتبط بازمینی و تنظیم شوند؛ ب) ارتباط دانشگاه با بخش‌های اجرایی تقویت گردد؛ پ) برای ارزیابی فارغ التحصیلان، معیارهایی که نمایانگر حداقل دانش نظری و توان علمی آنان هستند به صورت استاندارد برای هر رشته تحصیلی تعریف شود.

صابریان و آقاجانی (۱۳۸۲)، در تحقیقی توصیفی - مقطعی با عنوان سرنوشت شغلی دانش آموختگان دانشکده پزشکی دانشگاه سمنان به بررسی سرنوشت شغلی دانش آموختگان دانشگاه در فاصله سال‌های ۷۸-۷۱ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق که بر روی ۹۳ نفر از دانش آموختگان انجام گرفته و اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه جمع آوری گردیده است، نشان می‌دهد که بیشتر دانش آموختگان در مدت زمانی بین شش ماه تا بیشتر از سه سال بعد از گذراندن طرح و سربازی بیکار بوده‌اند. از نظر محل خدمت دانش آموختگان ۴۴/۱ درصد در بیمارستان، ۱۳/۹۷ درصد در سمت‌های اداری، ۱۲ درصد دانشکده پرستاری، ۸/۶ درصد در مراکز بهداشتی و ۲۰/۴۳ درصد در سایر مشاغل مشغول به خدمت بوده‌اند و از نظر استخدامی ۳۰/۱۲ درصد وضعیت رسمی آزمایشی، ۱۷/۲ درصد رسمی قطعی، ۱۲/۸ درصد قراردادی، ۱۱/۸ درصد طرحی هستند.

مجتهد زاده و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری از منظر استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری استان آذربایجان شرقی انجام داده‌اند. هدف این پژوهش بررسی اهمیت و کفایت دانش و مهارت‌های مورد نیاز دانش آموختگان رشته حسابداری بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های سه گروه در خصوص اهمیت برخی از دانش و مهارت‌های مطرح شده و نیز کفایت ارائه آنها توسط برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری، تفاوت معنی دار وجود دارد. و همچنین نتایج بیانگر برتری آموزش مهارت‌های تجاری و مدیریتی در برنامه آموزشی است.

رحمانی و کتولی (۱۳۸۲) چالش‌های اشتغال فارغ التحصیلان را به دو دسته از عوامل درونی و عوامل بیرونی تفکیک می‌کند عوامل درونی شامل فرایندها و راهبردهایی هستند که در نظام آموزش عالی به کار گرفته می‌شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و کارایی فارغ التحصیلان ارتباط دارند و مهمترین آنها عبارتند از: ۱- عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار ۲- عدم تناسب بین محتوای آموزش

با مهارت‌های شغلی ۳- مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن.

کربلا آقایی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان زن مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به مطالعه موردی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان زن این رشته در دانشگاه الزهراء می‌پردازد نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که ۸۵/۵ درصد فارغ التحصیلان، شاغل هستند که از این میان ۹۱/۲ درصد آنها در مشاغل مرتبط با رشته کتابداری فعالیت می‌کنند و ۵۴/۲ درصد فارغ التحصیلان با فاصله زمانی کمتر از یک سال پس از فراغت از تحصیل جذب بازار کار شده‌اند.

سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، تحقیقی با عنوان سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام داده‌اند. این تحقیق که در نمونه ۲۸۶ نفری از دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که ۶۴ درصد افراد شاغل بوده‌اند و ۵۰ درصد افراد از طریق آزمون‌های استخدامی دولتی مشغول به کار شده‌اند. بررسی تاثیر عامل جنسیت، رشته تحصیلی، داشتن کار دانشجویی و عضویت در تشکل‌های دانشجویی، بر روی اشتغال فارغ التحصیلان، تفاوت‌هایی را در میزان اشتغال، احساس ثبات شغلی و دارا بودن شغل ثابت به نفع پسران، رشته روانشناسی، افراد دارای کار دانشجویی و افراد فعال در تشکل‌های دانشجویی نشان می‌دهد. همچنین فارغ التحصیلان از شرایط اجتماعی مرتبط با کار ارزیابی خوبی نداشته‌اند، به طوری که از نظر اکثریت افراد، شانس و داشتن ارتباطات اجتماعی، مهمتر از «مهارت داشتن» ارزیابی شده است. نتایج نیز نشان داده است که دانشگاه مقدمات ورود افراد به بازار کار را فراهم نموده است.

توحید راد (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های محتوای دروس دانشگاهی با توجه به نیازهای جامعه کنونی پرداخته است؛ نتایج این پژوهش بیانگر این مسئله است که محتوای دروس دانشگاهی باید غنی و در چارچوب نیازهای جامعه، انعطاف پذیر و به روز،

برانگیزاننده و پرورش دهنده تفکر خلاق و تفکر انتقادی باشد و طوری ارائه شود که آموخته‌ها قابلیت کاربرست در موقعیت‌های واقعی را داشته باشد

ایزدی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان ارزیابی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی کاربردی با هدف بررسی وضعیت اشتغال این گروه از دانش آموختگان انجام داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۷۸/۵ درصد دانش آموختگان، شاغل و ۲۱/۵ درصد بیکار هستند. همچنین میان رشته تحصیلی و نوع شغل دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی - کاربردی ارتباط معنی داری وجود دارد و مطالعه و بررسی نظرات کارفرمایان بیانگر این است که میان انتظارات کارفرمایان با سطح مهارت دانش آموختگان دانشگاه علمی - کاربردی رابطه معنی داری وجود ندارد.

طولابی و الحانی (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان بررسی مقایسه ای اهداف برنامه‌های آموزشی با نیازهای حرفه ای از دیدگاه دانش آموختگان پرستاری طی سه دوره سه ساله انجام داده اند. نتایج این تحقیق که بر روی ۳۵۴ نفر از دانش آموختگان پرستاری انجام طی سه دوره از سال ۸۰ الی ۸۶ انجام گرفته است نشان می‌دهد که بین نیازهای حرفه‌ای و شغلی و اهداف برنامه‌های آموزشی تفاوت وجود دارد و دانش آموختگان را متناسب با نیازهای حرفه ای و شغلی آماده نمی‌کند.

پورکاظمی (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان وضعیت راهیابی فارغ التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۴) انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داده است که ۷۶ تا ۷۹ درصد فارغ التحصیلان علوم انسانی مشغول به کار شده‌اند و آنها حداکثر تا یک سال به دنبال کار بوده‌اند که این درصدها در رشته‌های مختلف متفاوت است. ۶۹ تا ۷۱ درصد شاغلان، کار خود را با رشته تحصیلی در ارتباط می‌دانند، ۶۸ تا ۷۵ درصد از شاغلان از کار خود راضی هستند.

رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان بررسی میزان تحقق اهداف برنامه آموزشی و عوامل مرتبط با آن در دانشکده‌های دندانپزشکی شهر تهران از دیدگاه فارغ التحصیلان انجام

داده‌اند. هدف این تحقیق تعیین میزان دستیابی به اهداف برنامه آموزشی از دید فارغ التحصیلان بوده است. میزان عدم تحقق اهداف از دید فارغ التحصیلان ۶۰/۳ درصد بوده است. و این عدم تحقق اهداف در دانشکده‌های مختلف متفاوت بوده است.

هیلاج^۱ و پولارد^۲ (۱۹۹۸)، معتقدند که اشتغال پذیری شامل چهار عنصر اصلی است که عبارتند از: ۱- دارایی‌های اشتغال پذیری فرد که شامل دانش، مهارت‌ها و نگرش‌هاست؛ ۲- مهارت‌های مدیریت حرفه، شامل مهارت‌های جستجوی شغل؛ ۳- ارائه؛ برای مثال نوشتن رزومه، تجارب کاری و تکنیک‌های مصاحبه؛ ۴- شرایط فردی برای مثال مسئولیت‌های خانوادگی و فاکتورهای بیرونی از قبیل سطح کنونی فرصت‌های شغلی در بازار کار.

همانگونه که از بررسی پیشینه تحقیق بر می‌آید عوامل و ویژگی‌های مختلفی در اشتغال یا عدم اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها موثرند که از جمله این موارد می‌توان به ویژگی‌های دانشی، مهارتی و نگرشی دانش‌آموختگان، محتوای دوره‌های آموزشی دانشگاهی، مهارت‌های فناوری اطلاعات دانش‌آموختگان و قابلیت خلاقیت و نوآوری و خود کارآمدی، اعتماد به نفس افراد اشاره نمود. لوراینی^۳ و سویل^۴ (۲۰۰۷)، این قابلیت‌ها که تحت عنوان قابلیت اشتغال پذیری دانش‌آموختگان نامبرده می‌شود به دو دسته اساسی قابل تفکیک است که بخشی از این قابلیت‌ها به خود فرد مرتبط است از قبیل اعتماد به نفس، عزت نفس و خود کارآمدی و بخشی از آنها به اثرات برنامه درسی دانشگاهی بر روی افراد از قبیل فراگیری دانش، مهارت و قابلیت‌های تخصصی مرتبط با رشته تحصیلی افراد مانند توسعه یادگیری که از طریق تعامل در محیط دانشگاهی و فرایند یاددهی و یادگیری دانش‌آموختگان به آنها تجهیز می‌گردند. در این تحقیق ما به دنبال آن هستیم وضعیت موجود اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی در گرایش‌های مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی در یک بررسی

-
1. Hillage
 2. Pollard
 3. Lorraine
 4. Sewell

موردی مورد مطالعه قرار داده و شکاف بین نیازهای کارفرمایان و دانش و مهارت‌های دانش آموختگان را شناسایی و راهکارها و نقشه راه لازم را در جهت کاهش این شکاف فراهم نمائیم.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان انطباق و دستیابی به اهداف برنامه‌های آموزشی مصوب رشته‌های علوم تربیتی در سه گرایش مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی با نیازهای شغلی و حرفه‌ای دانش آموختگان این رشته‌ها است که از طریق واکاوی وضعیت اشتغال و دیدگاه دانش آموختگان سال‌های ۸۴-۸۸ گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی در سه رشته مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی در مقطع کارشناسی ارشد انجام پذیرفته است.

سؤال‌های پژوهش

به منظور دستیابی به هدف فوق سوالات ذیل مد نظر است:

- ۱- وضعیت شغلی دانش آموختگان بر حسب رشته‌های تحصیلی چگونه است؟
- ۲- فاصله زمانی بین دانش آموختگی و شروع به کار بر حسب متغیرهای جنسیت و رشته تحصیلی چگونه است؟
- ۳- میزان رضایت دانش آموختگان از محتوای آموزشی رشته ای خود در دانشگاه به چه صورت است؟
- ۴- مهمترین نیازهای آموزشی دانش آموختگان برای انجام بهینه مشاغل خود کدامند؟
- ۵- پیشنهادها و راهکارهای دانش آموختگان برای ایجاد آمادگی بهتر دانشجویان جهت ورود به بازار کار کدامند؟

روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع ارزشیابی درونی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموختگان رشته علوم تربیتی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی در سه گرایش مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی بین سال‌های ۸۸-۸۴ است. تعداد آنها ۲۴۳ نفر بود و از این تعداد ۱۰۸ نفر زن و ۱۳۵ نفر مرد بوده‌اند.

به منظور تعیین حجم نمونه از روش نمونه در دسترس استفاده شده است که بر این اساس اطلاعات مربوط به دانش‌آموختگان از دانشگاه اخذ شده و سعی شد بر حسب توزیع افراد در رشته‌های مورد مطالعه با افراد تماس گرفته شد که محققان موفق شدند با تعداد ۷۸ نفر از افراد تماس برقرار کرده و خواستار مشارکت آنها در پژوهش شدند که از این تعداد ۴۱ نفر از دانش‌آموختگان اطلاعات مورد نیاز تیم تحقیق را با تکمیل پرسشنامه در اختیار گذاشتند. به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز جهت پاسخگویی به سوالات پژوهش، محققان با استفاده از بررسی ادبیات پژوهش و تحقیقات صورت گرفته در زمینه مسیر شغلی دانش‌آموختگان پرسشنامه محقق ساخته‌ای شامل ۱۸ سوال طراحی کرده‌اند که دو سوال باز پاسخ و مابقی سوالات دو گزینه‌ای (بلی و خیر) و پنج گزینه‌ای بوده است. برای سنجش روایی سوالات پرسشنامه از روایی محتوایی استفاده شده است، بدین صورت که پس از استفاده از فنون مربوط به ساخت پرسشنامه، ابزار مورد نظر آماده و با ارائه به صاحب‌نظران و متخصصان مربوط، روایی محتوایی آن تایید شده است. پایایی پرسشنامه از طریق مطالعه مقدماتی مورد ارزیابی قرار گرفته است و از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی سوالات مورد تایید قرار گرفته است ($\alpha=0/95$) بدین منظور بعد از دریافت اطلاعات دانش‌آموختگان از دانشگاه و طراحی پرسشنامه اینترنتی با ۷۸ نفر از دانش‌آموختگان که تاحدودی اطلاعات تماس آنها کامل بود تماس گرفته شد و با در اختیار قرار دادن آدرس اینترنتی پرسشنامه از آنها خواسته شد تا اطلاعات پرسشنامه را در مدت حدود یک ماه تکمیل نمایند. از آنجایی که تعداد پاسخگویان

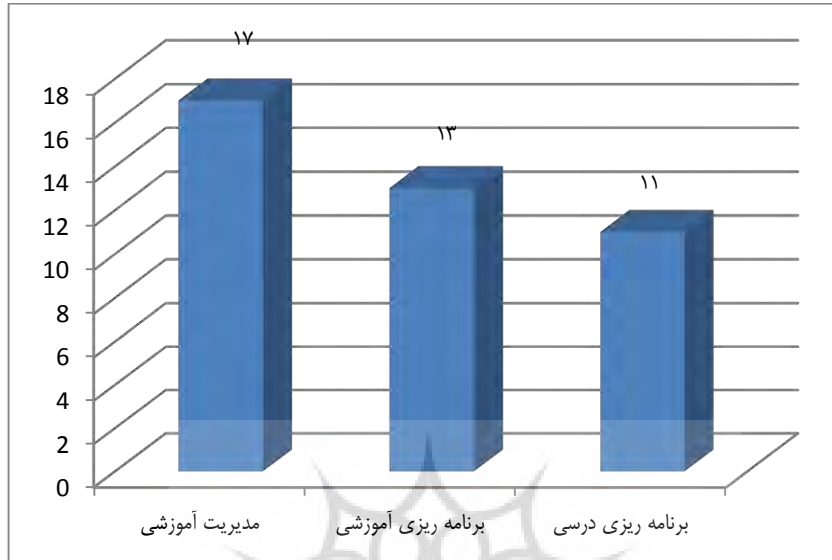
به پرسشنامه بعد از یک ماه هنوز به تعداد مد نظر تیم تحقیقاتی نرسیده بود لذا به مدت ۱۵ روز زمان پاسخگویی تمدید شد و مجدداً از افراد خواسته شد تا اطلاعات مورد نیاز را تکمیل نمایند. در مجموع تعداد ۴۱ پرسشنامه پاسخ داده شد. اطلاعات و جزئیات مربوط به تعداد و رشته‌های افراد به تفکیک جنسیت و سال تحصیلی دانش آموختگان در جدول شماره ۱، ارائه شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی از قبیل میانگین، فراوانی و درصد استفاده شده است همچنین برای سوالات باز پاسخ از تحلیل محتوا و مقوله بندی پاسخ‌ها استفاده شده است.

جدول ۱. جامعه آماری پژوهش به تفکیک گرایش، سال فارغ التحصیلی و جنسیت

گرایش‌ها	۸۴		۸۵		۸۶		۸۷		۸۸		جمع	درصد
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن		
مدیریت آموزشی	۹	۹	۷	۱۴	۱۶	۱۰	۶	۱۰	۳	۶	۹۰	۳۷/۰۴
برنامه ریزی آموزشی	۵	۱۳	۳	۸	۱۰	۹	۳	۷	۱۴	۱۴	۸۶	۳۵/۳۹
برنامه ریزی درسی	۳	۴	۸	۱۱	۹	۸	۶	۱۱	۶	۱	۶۷	۲۷/۵۷
جمع	۱۷	۲۶	۱۸	۳۳	۳۵	۲۷	۱۵	۲۸	۲۳	۲۱	۲۴۳	۱۰۰

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت شناختی
 از تعداد ۴۱ نفر پاسخگویان به پرسشنامه تعداد ۳۳ نفر مرد (۸۰/۵ درصد) و تعداد ۸ نفر زن (۱۹/۵ درصد) بوده‌اند. توزیع دانش آموختگان بر حسب رشته‌های تحصیلی به این صورت بود که برنامه ریزی آموزشی ۱۳ نفر، برنامه ریزی درسی ۱۱ نفر و مدیریت آموزشی ۱۷ نفر بودند. همچنین به طور کلی ۹ نفر موفق به ادامه تحصیل به مقاطع بالاتر (دکتری) شده‌اند که ۱ نفر زن و ۸ نفر مرد می‌باشند.



نمودار ۲. توزیع دانش‌آموزان بر حسب رشته‌های تحصیلی

وضعیت شغلی دانش‌آموزان

به منظور مقایسه بهتر نقش تحصیلات تکمیلی در اشتغال به کار افراد، تلاش شد تا وضعیت اشتغال دانش‌آموزان در حین و قبل از تحصیل و همچنین بعد از تحصیل مورد بررسی قرار گیرد.

الف) وضعیت اشتغال افراد حین تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و قبل از آن: بررسی و تحلیل اطلاعات دانش‌آموزان حکایت از آن دارد که از تعداد ۴۱ نفر پاسخگو به پرسشنامه تنها تعداد ۹ نفر یعنی حدود ۲۲/۵ درصد از افراد در حین تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد شاغل بوده‌اند و تعداد ۳۱ نفر (۷۷/۵ درصد) در حین تحصیل و یا قبل از آن شاغل نبوده‌اند

ب) وضعیت اشتغال افراد بعد از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد: وضعیت اشتغال به کار افراد بعد از اتمام تحصیلات نشان می‌دهد که ۳۳ نفر از افراد (حدود ۸۰/۵ درصد) بعد از فارغ التحصیلی مشغول به کار شده‌اند و همچنین ۸ نفر از افراد (۱۹/۵ درصد) نیز بیکار

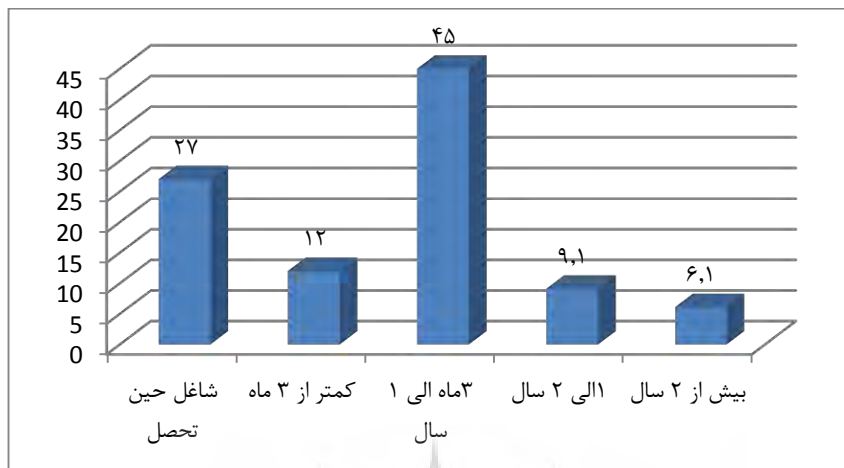
بوده‌اند که از این تعداد ۵ نفر زن می‌باشند لذا به نسبت سهمی که زنان در نمونه مورد مطالعه دارند میزان بیکاری زنان بعد از دانش آموختگی بیشتر از مردها بوده است. همچنین از نظر ماهیت شغل بیشتر شاغلین دارای مشاغل مطالعاتی و تحقیقاتی بوده‌اند.

جدول ۲. وضعیت اشتغال افراد قبل و حین تحصیل و بعد از تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد

اشتغال قبل و حین تحصیل			اشتغال بعد از تحصیل		
شرح	تعداد	درصد	شرح	تعداد	درصد
شاغل	۹	۲۲,۵	شاغل	۳۳	۸۰/۵
بیکار	۳۱	۷۷,۵	بیکار	۸	۱۹/۵
جمع	۴۱	۱۰۰	جمع	۴۱	۱۰۰

همچنین وضعیت اشتغال دانش آموختگان بر حسب اشتغال آنها به تفکیک دو بخش خصوصی و دولتی نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن بیانگر این است که از تعداد ۳۳ نفر دانش آموختگان شاغل، ۲۴ نفر از آنها در بخش دولتی و ۹ نفر در بخش خصوصی فعالیت دارند.

بررسی فاصله زمانی بین فارغ التحصیلی و اشتغال به کار دانش آموختگان نشان می‌دهد که از بین شاغلین، ۹ نفر از آنها در حین تحصیل شاغل بوده‌اند، ۴ نفر کمتر از ۳ ماه بعد از فارغ التحصیلی شاغل شده‌اند، ۱۵ نفر در فاصله بین ۳ ماه الی ۱ سال بعد از فارغ التحصیلی وارد بازار کار شده‌اند و ۳ نفر بعد از ۱ سال و ۲ نفر بیش از دو سال از فارغ التحصیلی توانسته‌اند وارد بازار کار شوند. لذا بیشتر افراد (۴۵ درصد) در فاصله ۳ ماه الی ۱ سال بعد از فارغ التحصیلی وارد بازار کار شده‌اند.

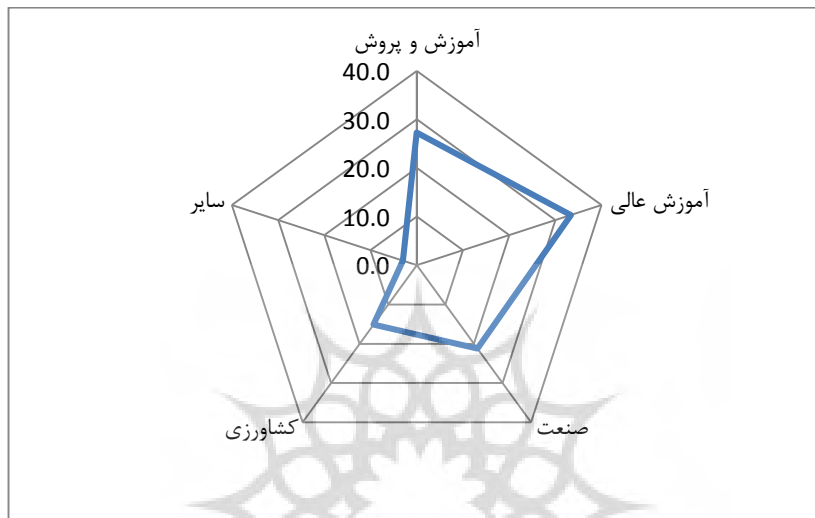


نمودار ۳. فاصله زمانی بین فارغ التحصیلی و شروع به کار بر حسب درصد

ارتباط رشته تحصیلی افراد با شغل

آن گونه که در فهرست اهداف راه اندازی رشته‌های علوم تربیتی بویژه رشته‌های مدیریت آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی ذکر شده است هدف اولیه از ایجاد این رشته‌ها تربیت و به کارگیری افراد در بخش‌های مختلف نظام آموزشی اعم آموزش عالی و آموزش و پرورش می‌باشد لذا به منظور شناخت بهتر در زمینه وضعیت اشتغال افراد در پنج بخش آموزش و پرورش، آموزش عالی، صنعت، کشاورزی و سایر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بیانگر این است که از تعداد ۳۳ نفر شاغل، تعداد ۹ نفر در آموزش و پرورش، ۱۱ نفر در آموزش عالی، ۵ نفر در بخش صنعت و ۵ نفر در بخش کشاورزی و ۱ نفر در سایر بخش‌ها مشغول فعالیت می‌باشند. بنابراین بیشترین میزان اشتغال افراد مربوط به دو بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی است. همچنین هیچکدام از فارغ التحصیلان خود اشتغالی یا کسب و کار مستقل نداشته‌اند. بررسی روند بکارگیری افراد طی سال‌های ۸۴ الی ۸۸ در بخش‌های پنجگانه فوق بیانگر این است که در سال‌های اخیر با توجه به نیاز صنایع و بخش کشاورزی به رشته‌های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی آموزشی میزان بکارگیری افراد در این بخش‌ها

افزایش داشته و تا حدودی با توجه به اشباع بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی میزان به کارگیری این افراد در این دو بخش طی سال‌های اخیر کاهش داشته است.

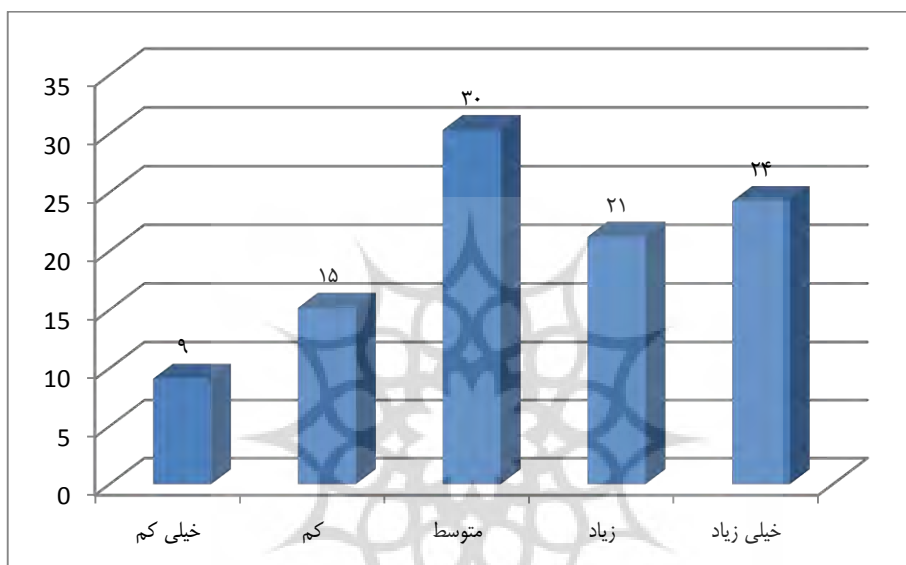


نمودار ۴. وضعیت اشتغال بر حسب بخش‌های مختلف

میزان رضایت از شغل

اشتغال پذیری عبارتست از داشتن مجموعه‌ای از مهارتها، دانش، درک و ویژگی‌های فردی که احتمال پیدا کردن و انتخاب مشاغلی امن را برای افراد فراهم می‌نماید تا از آن رضایت داشته و با موفقیت همراه باشد یکی از موضوعاتی که در ارتباط اشتغال پذیری و اشتغال واجد اهمیت است عنصر رضایت شغلی است. ممکن است افراد در پیدا کردن شغل موفق باشند ولی لزوماً از آن رضایت نداشته باشند بنابراین ضرورت دارد عنصر رضایت نیز مورد بررسی قرار گیرد (لوراینی و سویل، ۲۰۰۷). به منظور بررسی رضایت شغلی دانش آموختگان میزان رضایت شاغلین مورد پرسش واقع شد بررسی دیدگاه دانش آموختگان شاغل بیانگر آن است که از تعداد ۳۳ نفر شاغل، ۴۵ درصد از افراد در حد زیاد و خیلی زیاد از شغل خود رضایت دارند و ۳۰ درصد افراد میزان رضایت از شغل را متوسط و ۲۵ درصد شاغلین میزان رضایت خود را از

شغل در حد خیلی کم و کم بیان کرده‌اند (نمودار ۵). همچنین با توجه به اینکه اکثریت افراد در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود مشغول به کار بوده‌اند، میزان ارتباط رشته تحصیلی با شغل افراد مطلوب ارزیابی شده است.



نمودار ۵. میزان رضایت از شغل افراد بر حسب درصد

میزان آمادگی دانشجویان برای ورود به بازار کار بررسی میزان آمادگی ورود دانش‌آموختگان به بازار کار از موضوعاتی مهمی است که همواره باید در برنامه ریزی درسی و سیاست گذاری آموزشی لحاظ گردد بدین منظور دیدگاه دانش‌آموختگان در مورد اینکه تا چه اندازه دانشگاه قادر بوده تا مهارت‌های لازم برای ورود آنها را به بازار کار پرورش دهد، نشان می‌دهد که میزان آمادگی آنها برای ورود به بازار کار و تجهیز مهارت‌های مورد نیاز بازار کار چندان مناسب نبوده و در حد متوسط ارزیابی شده است. همچنین با توجه به ضرورت کاهش این شکاف و زمینه سازی برای همسو نمودن دانش و مهارت‌های دانش‌آموختگان با نیازهای بازار جهت انجام بهینه وظایف شغلی از آنها خواسته

شد تا مهمترین نیازهای آموزشی یا دوره‌های آموزشی مورد نیاز دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی را ذکر نمایند که نتایج و تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که نیازسنجی آموزشی، کامپیوتر و فناوری اطلاعات، زبان انگلیسی، آمار و روش تحقیق و مکاتبات اداری به ترتیب در اولویت بیشتری قرار دارند.

جدول ۳. میزان آمادگی دانشجویان برای ورود به بازار کار و مهمترین آموزش‌های پیشنهادی

برای دانشجویان

میزان آمادگی دانش آموختگان برای ورود به بازار کار			مهمترین دوره‌های آموزش‌های پیشنهادی برای دانشجویان		
شرح	تعداد	درصد	شرح	تعداد	درصد
خیلی کم	۲	۴,۹	نیازسنجی آموزشی	۱۳	۳۱,۷
کم	۱۳	۳۱,۷	کامپیوتر و فناوری اطلاعات	۹	۲۲
متوسط	۱۷	۴۱,۵	آمار و روش تحقیق	۹	۲۲
زیاد	۹	۲۲	زبان انگلیسی	۷	۱۷,۱
خیلی زیاد	۰	۰	مکاتبات اداری	۳	۷,۳
جمع	۴۱	۱۰۰	جمع	۴۱	۱۰۰

نظرات و دیدگاه‌های دانش آموختگان برای آمادگی بهتر دانشجویان جهت ورود به بازار کار بررسی نظرگاه‌ها و دیدگاه‌های دانش آموختگان در رابطه با مسائل و مشکلاتی که در فرایند جویای کار با آن مواجه بوده‌اند و همچنین نیازهای آموزشی و پژوهشی آنان در جریان کار می‌تواند به دانشگاه‌ها کمک نماید تا در برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خود زمینه‌های رفع دشواری‌ها و تقویت دانش و مهارت‌های مورد نیاز آنان را فراهم نمایند. بدین منظور مهمترین نقطه نظرات دانش آموختگان که بر اساس دو سوال باز پاسخ مورد پرسش واقع شده بود، براساس روش تحلیل محتوا در سه مقوله اصلی برنامه درسی، ارتباط دانشگاه و صنعت، فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی طبقه بندی شد که در این بخش به تفکیک به هر کدام از این موارد پرداخته می‌شود.

برنامه‌های درسی یکی از عوامل مهم ارتقای کیفیت آموزش عالی و ایجاد تناسب بین نگرش، دانش، و مهارت دانش‌آموختگان با آخرین دستاوردهای علمی و نیاز بازار کار است (نعمتی، ۱۳۸۳). آنگونه که التباخ (۱۹۹۸)، بیان می‌دارد برنامه‌های درسی آئینه نقشها و اهداف آموزش عالی است و شایسته توجه دقیق هستند. در رابطه با برنامه درسی بررسی دیدگاههای دانش‌آموختگان بیانگر آن است که محتوای برنامه درسی رشته‌های برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی و مدیریت آموزشی می‌بایست متناسب با نیازهای بازار کار بازننگری و طراحی گردد ضمن اینکه تاکید و تمرکز اصلی بر کاربردی بودن مطالب و محتوای های درسی باشد و از آن جمله می‌توان به مهارت‌های نیازسنجی آموزشی، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزشی، کامپیوتر و فناوری اطلاعات، مکاتبات اداری، زبان انگلیسی و رفتار سازمانی اشاره کرد. این موضوع در رابطه با گرایش‌های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی آموزشی بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین دروس تخصصی که همپوشانی زیادی در برخی موارد با هم دارند کمتر شده و متناسب با نیازهای روز و تحولات دانش و فناوری محتوای درسی به روز گردد. بنابراین تغییر نگرش در برنامه ریزی های درسی از تدریس به یادگیری، پاسخی به نیازهای آموزشی نسل جوان امروز و کارآفرینان فردا می‌باشد و تصمیمات برنامه درسی جدا از مسائل اجتماعی و ارتباط بین جامعه و دانشگاه نیست. برنامه درسی رشته‌های مختلف در آموزش عالی باید دربردارنده پنج عنصر باشد: الف) محتوای و دانش رشته‌ای، ب) مهارت‌های رشته‌ای، ج) آگاهی از محیط کار، د) تجارب کاری و ه) مهارت‌های اصلی و اساسی (بنت و همکاران، ۱۹۹۹).

در رابطه با ارتباط دانشگاه و صنعت، به منظور تسهیل اشتغال فارغ التحصیلان، ضروری است دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها با همدیگر همکاری داشته باشند (نگیون^۱، ۲۰۰۵) تا از این طریق نیازهای همدیگر را بهتر درک نمایند. ملاک کیفیت دانشگاه، توان درک موقعیت‌های واقعی محیطی و سازگاری فعالیت‌های خود در جهت پاسخگویی نظری و عملی

به مسائل و نیازهای درونی و بیرونی از طریق ایجاد تغییرات در ساختار و کارکردهایش است (یمنی، ۱۳۸۸). مهمترین نقطه نظرات دانش آموختگان حکایت از آن دارد که زمینه سازی برای ارتباط بهتر دانشگاه و صنعت از طریق تقویت واحدهای کارآموزی، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی با همکاری صنایع و دانشجویان دانشگاه و با حمایت و پشتیبانی دانشگاه، معرفی نیازهای بازار کار به دانشجویان در دوران تحصیل و تقویت همکاری دانشگاه با صنعت مهمترین نقطه نظرات در این زمینه می باشد. آنگونه که تحقیق یدالهی و میر عرب رضی (۱۳۸۸) نیز نشان داده دانش آموختگان رشته‌های علوم تربیتی اطلاع و آگاهی کمی از مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی خود دارند و این نیاز وجود دارد تا زمینه های لازم برای آشنایی آنها با صنعت و مشاغل رشته ای خود، از طریق کارآموزی، پروژه و کارگاه فراهم گردد. تحقیقاتی قبل نیز این یافته را تأیید می نمایند.

در رابطه با تقویت فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی، دانش آموختگان معتقدند با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف دوره های تحصیلات تکمیلی، توسعه و تقویت قابلیت ها و مهارت های پژوهشی افراد می باشد لذا ارائه دروس و فعالیت های کلاسی با تأکید بر فعالیت های پژوهشی و تحقیقاتی صورت پذیرد همچنین اولویت های تحقیقاتی سازمان ها، پژوهشکده های مختلف در طول دوره تحصیل به دانشجویان ارائه گردد و دانشجویان از طریق اجرای این پروژه های تحقیقاتی ضمن کاربرد عملی اصول و فنون تحقیقاتی زمینه های ارتباط آنها را با سازمان ها و موسسات تحقیقاتی فراهم نموده و از این طریق فرصت اشتغال آنها را فراهم نمایند.

بحث و نتیجه گیری

آگاهی از وضعیت و سرنوشت شغلی فارغ التحصیلان دانشگاه ها به منظور جهت یابی های آینده ضروری است. این تحقیق با هدف بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان کارشناسی ارشد سال های ۸۸-۸۴ رشته های علوم تربیتی در سه رشته گرایش مدیریت آموزشی، برنامه

ریزی آموزشی و برنامه ریزی درسی به صورت مطالعه موردی در دانشگاه علامه طباطبائی انجام گرفته است. نتایج تحقیق بر مبنای سوالات تحقیق بیانگر این است که از منظر اشتغال دانش آموختگان، تعداد اندکی از آنها در حین تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و یا قبل از آن به کار اشتغال داشته‌اند (۲۵ درصد). همچنین میزان اشتغال به کار افراد بعد از فارغ التحصیلی به ۸۰ درصد افزایش یافته است. بنابراین تعداد ۹ نفر (از ۴۱ نفر) بعد از فارغ التحصیلی بیکار می‌باشند که بیشتر در رشته برنامه ریزی درسی است. همچنین فرصت‌های شغلی برای رشته‌های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی آموزشی علاوه بر آموزش و پرورش و آموزش عالی در بخش صنعت، کشاورزی و سازمان‌های خصوصی فراهم است و با توجه به نیاز این سازمانها به خدمات رشته‌های فوق الذکر در بخش‌های توسعه منابع انسانی، آموزش و امور کارکنان بنابراین میزان دستیابی به شغل برای رشته‌های مدیریت آموزشی و برنامه ریزی آموزشی بیشتر بوده است.

بررسی محل خدمت دانش آموختگان رشته‌های بیانگر آن است که دانش آموختگان رشته برنامه ریزی درسی بیشتر جذب بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی شده‌اند تا سایر بخش‌ها، همین امر باعث شده تا میزان بیکاری دانش آموختگان این رشته به نسبت سایر رشته‌های گروه بیشتر باشد. در خصوص شغل افراد و ارتباط آن با رشته تحصیلی دانش آموختگان، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین رشته تحصیلی افراد شاغل با شغل آنها ارتباط وجود دارد و از این لحاظ نتایج تحقیق با نتایج تحقیق پورکازمی (۱۳۸۸) و ایزدی و همکاران (۱۳۸۹)، کربلاآقایی (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

بررسی فاصله زمانی شروع به کار از زمان فارغ التحصیلی بیانگر این است که دانش آموختگان در فاصله زمانی سه ماه تا ۱ سال بعد از فارغ التحصیلی، مشغول به کار شده‌اند که از این لحاظ نیز نتایج تحقیق با نتایج تحقیق کربلاآقایی (۱۳۸۷) همخوانی دارد و با نتایج تحقیق صابریان و آقاجانی (۱۳۸۲) همخوانی ندارد. در خصوص رضایت شغلی دانش آموختگان، بررسی رضایت شغلی افراد نیز بیانگر این است که ۷۵ درصد افراد، میزان رضایت از شغل خود

را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند و از این منظر نتایج تحقیق با نتایج تحقیق پورکاظمی (۱۳۸۸)، همخوانی دارد و افراد از رضایت شغلی مناسبی برخوردارند.

بررسی دیدگاه دانش آموختگان در مورد اینکه تا چه اندازه دانشگاه قادر بوده تا مهارت‌های لازم برای ورود آنها را به بازار کار پرورش دهد، نشان می‌دهد که میزان آمادگی آنها برای ورود به بازار کار و تجهیز آنان به مهارت‌های مورد نیاز بازار کار چندان مناسب نبوده و در حد متوسط ارزیابی شده است. دانش آموختگان معتقد بودند که محتوای دوره‌های آموزشی تا حدود زیادی تئوری بوده و کمتر مهارت‌های عملی لازم را برای ورود به بازار کار در آنها پرورش داده است. از این منظر نتایج تحقیق با نتایج تحقیق طولابی و الحانی (۱۳۸۹)، ایزدی و همکاران (۱۳۸۹)، توحیدراد (۱۳۸۸) و سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

آنگونه که عزیزی (۱۳۸۷)، بیان می‌دارد نبود یک ارتباط منسجم، مستمر و روز آمد بین برنامه‌های درسی و فعالیت‌های یادگیری دانشجویان با نیازها و مقضیات بازار کار در رشته‌های علوم انسانی، آثار مخرب زیادی بر انگیزه و روحیه دانشجویان بر جای می‌گذارد. بنابراین مستلزم توجه جدی به این موضوع از سوی دست اندرکاران امر می‌باشد.

ارتباط موفق و موثر دانشگاه و صنعت مستلزم ایجاد نهادها و مؤسسات حمایت کننده و برانگیزنده‌ای است که فرایندهای درونی دانشگاه را در جهت خلق ارزش ارتقاء دهند و از طرفی منابع مالی و مدیریتی لازم را برای بقاء آن جذب نمایند. همچنین ارتباط موثر صنعت و دانشگاه باعث هم افزایی و کارایی بهتر دانشگاه و صنعت می‌گردد به گونه‌ای که از یک طرف دانشگاه مبتنی بر نیازهای صنعت برنامه‌ها و فرایندهای درونی خود را تصحیح نموده و اختلاف بین آنچه دانش آموختگان باید بدانند و آنچه می‌دانند کاهش می‌یابد و از طرف دیگر صنعت ایده‌ها و طرح‌های بدیع و نو را از دانشگاه اخذ می‌نماید (هیلیر^۱، ۲۰۱۱). همانگونه که از نتایج تحقیق بر می‌آید شاید بتوان گفت یکی از مواردی که در بسیاری از تحقیقات مرتبط با برنامه

درسی و نیازهای بازار کار نمایان است، فقدان ارتباط بین برنامه‌های درسی، آموزش‌ها و مهارت‌های فراگرفته شده دانشجویان با نیازها و خواسته‌های آنان در بازار کار است و دانشگاه‌ها به ویژه در رشته‌های علوم انسانی، دانش‌آموختگان را متناسب با نیازهای بازار کار تربیت نمی‌نمایند که این امر از دو جنبه قابل بررسی است:

در نگاه نخست فقدان ارتباط بین دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و توانایی‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان و مهارت‌های مرتبط با مشاغل مختلف که از طریق بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی، واحدهای آموزشی و تدوین سرفصل و دروس مرتبط به منظور کاهش شکاف بین تئوری و عمل قابل انجام است.

از دیگر سو عدم ارتباط بین رشته‌های مختلف دانشگاهی و رشته‌های شغلی مورد تقاضای بازار کار می‌باشد که این امر ناشی از تغییرات فناوری، تکنولوژی و نو شدن شیوه‌های کاری، چشم اندازها و برنامه‌های سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف متناسب با ضرورت‌های اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری می‌باشد، ضرورت بازنگری و طراحی رشته‌های مختلف با رویکرد میان رشته‌ای و مرتبط با نیازهای صنعت و بازار کار پیش از پیش مطرح می‌گردد. همچنین اشتغال پذیری دانش‌آموختگان تحت تاثیر عوامل و عناصر مختلفی است که برخی از آنها به ویژگی‌ها و قابلیت‌های فردی از قبیل خودکارآیی، عزت نفس و اعتماد به نفس باز می‌گردد و برخی به مهارت‌های جستجوی شغل، طراحی و نوشتن رزومه مناسب، تکنیک‌های مصاحبه، دوره‌های آموزشی شغلی. لذا برنامه‌ریزی برای تقویت خودکارآمدی و اعتماد به نفس دانشجویان و مهارت‌های جستجوی مشاغل، تکنیک‌های مصاحبه و نوشتن رزومه مناسب می‌تواند به افزایش اشتغال دانش‌آموختگان کمک نماید. با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش پیشنهادهای ذیل در جهت بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی و درسی رشته‌های علوم تربیتی و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این رشته‌های ارائه می‌گردد:

۱- شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی کشورهای در تحول اهداف برنامه‌های آموزشی موثر است لذا بازنگری در اهداف برنامه‌های آموزشی رشته‌های برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه

ریزی درسی و مدیریت آموزشی با نگاه به آماده سازی و بکارگیری این افراد در بخش صنعت و بخش خصوصی به جای تاکید صرف بر به کارگیری این گروه از دانش آموختگان در بخش آموزش عالی و آموزش و پرورش و ضرورت تهیه و تدوین محتوای مناسب و میان رشته‌ای این رشته‌های متناسب با نیازهای کارفرمایان و بازار کار امری اجتناب ناپذیر است.

۲- بررسی نظرات و دیدگاه‌های کارفرمایان و سازمان‌هایی که دانش آموختگان این رشته‌ها را به کار گرفته‌اند به منظور درک و شناخت بهتر انتظارات کارفرمایان از دانش آموختگان این رشته‌ها و زمینه سازی در جهت کاهش شکاف بین نیازهای کارفرمایان و مهارت‌های دانش آموختگان.

۳- با توجه به افزایش پذیرش تعداد دانشجویان و دانش آموختگان رشته‌های علوم تربیتی و بالتبع فقدان فرصت‌های شغلی کافی برای تمامی دانش آموختگان این رشته‌ها، ظرفیت سازی در جهت پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانش آموختگان و تدوین محتوای مناسب در جهت کارآفرینی دانش آموختگان از ضروریات این رشته‌های برای سال‌های آتی می باشد.

۴- با توجه به اینکه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور از اهداف اصلی دانشگاه‌ها می باشد و مطالعه و تحقیق بر روی دانش آموختگان دانشگاه‌ها که محصول اصلی دانشگاه‌ها می باشند عملکرد دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی را در جهت این هدف نمایان می سازد لذا ضرورت دارد بانک اطلاعات دانش آموختگان دانشگاه‌ها طراحی و تدوین گردد تا با سهولت بهتری کارایی برونی نظام آموزشی عالی مورد مطالعه و بررسی محققین قرار گیرد و در برنامه ریزی و سیاست گذاری نظام آموزش عالی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

۵- بررسی مقایسه‌ای وضعیت شغلی دانش آموختگان رشته‌های علوم تربیتی در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های آزاد و غیر انتفاعی برای تحقیقات آتی پیشنهاد می گردد.

۶- با توجه به نقش متغیرهای مختلف در اشتغال به کار افراد و به منظور تعیین تاثیر متغیرهای مختلف اعم از نفوذ اجتماعی - سیاسی، رابطه، ویژگی‌های فردی دانش آموختگان و پیشینه خانوادگی، پیشنهاد می گردد تحقیقی جامعی در این زمینه صورت پذیرد.

منابع فارسی

- ایزدی، صمد؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ و قربانی، عادل. (۱۳۸۹). ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جامع علمی^۰ کاربردی. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۳(۳)، ۱-۲۴.
- پورکاظمی، محمد حسین. (۱۳۸۸). وضعیت راهیابی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۴). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۵(۲)، ۱۲۷-۱۵۰.
- توحید راد، زکيه. (۱۳۸۸). بررسی ویژگیهای محتوای دروس دانشگاهی با توجه به نیازهای جامعه کنونی. چکیده مقالات نهمین همایش سالانه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. تبریز: دانشگاه تبریز.
- جمیری، وحیده؛ حاتمی جواد؛ فتحی آذر، اسکندر؛ و کرامتی، محمد رضا. (۱۳۸۹). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مهندسی معماری با نیازهای بازار کار در ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱(۲)، ۱۱۱-۱۳۳.
- رضای، غلامحسین؛ ولایی، ناصر؛ بساق زاده، مجید؛ فخر عطار، علی؛ مهرشادیان، محسن؛ حراجی، افشین؛ رضایی، مسعود و خواجهوی خان، آزاده. (۱۳۸۹). بررسی میزان تحقق اهداف برنامه آموزشی و عوامل مرتبط با آن در دانشکده‌های دندانپزشکی شهر تهران از دیدگاه فارغ‌التحصیلان سالهای ۱۳۸۰-۸۴. مجله تحقیق در علوم دندانپزشکی، ۷(۲)، ۲۰-۲۶.
- سعیدی رضوانی، محمود؛ محمدحسین زاده، معصومه و باغگلی، حسین (۱۳۸۹). سرنوشت شغلی فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱۱(۲)، ۵۷-۸۶.
- صابریان، معصومه و حاجی آقاجانی، سعید. (۱۳۸۲). سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان دانشکده پزشکی دانشگاه سمنان. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۳(۹)، ۵۲-۵۷.

صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۵)، وضعیت اشتغال دانش آموختگان زن: مطالعه موردی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۲(۲)، ۴۱-۶۰.

طولابی، طاهره و الحانی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای اهداف برنامه‌های آموزشی با نیازهای حرفه‌ای از دیدگاه دانش آموختگان پرستاری طی سه دوره سه ساله. فصلنامه یافته، ۲(۴۴)، ۵۲-۶۶.

عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی: تاملاتی بر نظرات دانشجویان. مجله آموزش عالی ایران، ۱(۲)، صص. ۲۹-۱. عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۲). اقتصاد آموزش و پرورش، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، چاپ نوزدهم، (ویرایش جدید)، اصفهان.

کتولی، علی و رحمانی، رامین. (۱۳۸۲). چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال فارغ التحصیلان. مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی.

کربلاآقایی کامران، معصومه. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان زن مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در سال‌های رکود جذب فارغ التحصیلان زن دانشگاه‌ها در بازار کار؛ مطالعه موردی دانشگاه الزهراء. فصلنامه کتاب، ۱۶، ۷۳-۹۰.

مجتهدزاده، ویدا؛ علوی طبری، سید حسین؛ و مرادی پر، فاطمه. (۱۳۸۹). دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری (بررسی موردی: استان آذربایجان غربی). فصلنامه دانش حسابداری، ۱(۱)، ۷۳-۸۷.

نعمتی، محمدعلی. (۱۳۸۳). گزارش ملی آموزش عالی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.

یدالهی فارسی، جهانگیر و میرعرب رضی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی آرایه برنامه درسی آموزش کارآفرینی در رشته علوم تربیتی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۳)، ۶۱-۸۰.

یمنی، محمد. (۱۳۸۸). رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

منابع لاتین

- Altbach, P. G. (1988). Comparative studies in higher education in: in (Ed.). *The Encyclopedia of comparative education and national system of education*.
- Bennett, N., Dunne, E. and Carre', C. (1999), Patterns of core and generic skill provision in higher education. *Higher Education*, Vol. 37(1), pp. 71-93.
- Drucker, P. F. (1993). *Post-capitalist society*. Oxford, Butterworth Heinemann
- Helyer, R. (2011). Aligning higher education with the world of work. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 1(2), 95-105.
- Hillage, J., & Pollard, E. (1998). *Employability: developing a framework for policy analysis*. London: DfEE., Retrived at: www.dfes.gov.uk/research/data.
- Lorraine ,D.P, and Sewell, P (2007).The key to employability: developing a practical model of graduate employability. *Education + Training*, 49(4), 277 ° 289.
- Nguyen Danh Nguyen, Yanagawa Yoshinari, Miyazaki Shigeji, (2005), University education and employment in Japan: Student 'perceptions on employment attributes and implications for university education, *Quality Assurance in Education*, 13(3), 202 ° 218
- Pillai,S and et al.(2012).Enhancing employability through industrial training in the Malaysian context. *Higher education*, 63,(2),187-204
- Tomlinson, M.(2007).Graduate employability and student attitudes and orientations to the labour market. *Journal of Education and Work*, 20(4), 285° 304.